

## متهم: به همسرم سوءظن داشتم

سوءظن یکی از رفتارهای نا آگاهانه و فکر منفی است که در افراد شکل می گیرد و گاهی ریشه در بیماری های روانی دارد. این رفتار معمولاً در نوع شدید خود گاهی به گونه ای رقم می خورد که منجر به حوادثی تلخ همچون قتل می شود که بیشتر قربانیان این حادثه نیز زنان هستند. پرونده قتل زن جوان از سوی شوهرش نتیجه همین رفتار غلط است که در آن متهم به دلیل بیماری روانی به همسرش سوءظن پیدا می کند و مقابل چشمان دختر جوانش دست به حادثه خونینی می زند. متهم روز گذشته در حالی محاکمه شد که پدر همسرش و دخترش برایش در خواست قصاص کردند.

به گزارش خبرنگار ما، سال ۹۵ مأموران کلانتری ۱۴۲کن از قتل زن جوانی در منزلش باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به راضیه ۳۵ساله بود که بر اثر ضربات چاقو از سوی همسرش کشته شده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران دریافتند عامل قتل، شوهر ۴۱ساله مقتول به نام رضا است که مقابل چشمان دختر ۱۱ساله اش مرتکب قتل شده بود و بعد از قتل نیز خودزنی کرده بود. به این ترتیب آن مرد به بیمارستان منتقل شد و بعد از بهبودی با انتقال به پلیس آگاهی به جرمش اقرار کرد و گفت: «به همسرم مظنون بودم که همین خاطر او را کشتیم».

با اقرارهای متهم، پرونده کامل و به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز مقابل هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی متین راسخ قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان، اولیای دم که پدر و دختر مقتول بودند تقاضای قصاص کردند و در ادامه دختر متهم که حالا ۱۳سال داشت، گفت: «عاشق پدر و مادرم بودم و آنها را خیلی دوست داشتم. آن روز پدرم مرا به اتاق برد و در ا قفل کرد. بعد از دقایقی صدای مادرم را شنیدم

و در حالیکه به پدرم التماس می کرد ناگهان صدایش خاموش شد. هیچگاه آن لحظه را فراموش نمی کنم و هنوز ترس آن روز در وجود هست.» او در حالیکه گریه می کرد ادامه داد: «پدرم بعد از کشتن مادرم در حالیکه جسد خونین او روی زمین افتاده بود همه عروسک هایم را با چاقو پاره کرد و آنگذ حالم بد بود که نگران بودم مرا هم بکشد. از ترس به خودم می لرزیدم که دیدم او خودزنی کرد. این شد که با فریادهای همسایه ها با پلیس تماس گرفتم.» در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و با قبول جرمش گفت: «سألهای زندگی من و راضیه می گذشت و با هم مشکلی نداشتم. بعد از به دنیا آمدن دخترم زندگی ما شیرین تر هم شد. این گذشت تا چند سال قبل که به بیماری انصب روان مبتلا شدم. وقتی به پزشک مراجعه کردم او دارو تجویز کرد. سالها دارو مصرف می کردم اما مدتی بود تصمیم گرفتم داروها را قطع کنم. همین باعث شد حال و روز خوبی نداشته باشم و بر اثر ترک داروها و پیشرفت بیماری دچار شک و گمان شوم. این سوءظن به همسرم بود و خیلی آذینتم می کرد.» متهم در خصوص روز حادثه گفت: «شک به همسرم مثل خوره به جانم افتاده بود تا اینکه شب حادثه تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. به خاطر بیماری چند شب خوابیده بودم و آن شب نیز تا صبح بیدار ماندم و مدام با خودم کلنجار می رفتم. صبح بود که دخترم بیدار شد. او را به اتاقش بردم و در ا قفل کردم. سپس سراغ همسرم رفتم. عقل از سرم رفته بود به همین خاطر با چاقو به جانش افتادم و چند ضربه به او زدم. او خونین روی زمین افتاد و دخترم داد و فریاد می کرد. از عصبانیت سراغ عروسک های دخترم رفتم و آنها را پاره کردم تصمیم به خودزنی گرفتم و چند ضربه به خودم زدم اما مأموران رسیدند و مرا به بیمارستان رساندند.» متهم در آخر گفت: «از کاری که کردم خیلی پشیمانم و باور کنیید به خاطر بیماری بی دلیل به همسرم مظنون شدم و زمان حادثه حالت عادی نداشتم و نمی دانستم چه کاری انجام می دهم. این شد که تصمیم اشتباهی گرفتم و شرمنده خانواده همسرم و دخترم هستم.» متهم در حالیکه به شدت اشک می ریخت گفت: «من و دخترم به هم علاقه داشتم. او به آموزشگاه روبه روی مدرسه می رفت و هر وقت تعطیل می شد پیش من می آمد و مرا در آغوش می کشید. حتی تصور نمی کردم روزی برسد دخترم برایم در خواست قصاص کند.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

## مرگ غم انگیز زوج عاشق پیشه

تحقیقات درباره مرگ مشکوک زن و شوهر جوانی که به خاطر مشکلات مالی به صورت غم انگیزی به زندگی شان پایان داده اند ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۰ شامگاه یکشنبه ۲۵آذر کارکنان بیمارستانی در شرق تهران مرگ مشکوک مرد جوانی را به مأموران پلیس اطلاع دادند. لحظاتی بعد از اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ راهی محل شدند. مأموران روی تخت بیمارستان با جسد مرد ۴۱ساله ای به نام ستار روبه رو شدند که حکایت از این داشت بر اثر مسمومیت دارویی به کام مر رفته است. پس از این بازرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. تحقیقات تیم جنایی نشان داد ساعتی قبل همسایه های مرد فوت شده، پیکر نیمه جان او و پیکر نیمه جان همسر ۳۱ساله اش را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده اند، اما در نهایت ساعت ۸شب مرد جوان فوت کرده و همسرش که حالش به شدت بد است تحت درمان قرار دارد، اما در نهایت او نیز به کام مرگ می رود.

همچنین مشخص شد این زن و شوهر که مدتی قبل ازدواج کرده اند خانه کوچکی در یکی از خیابان های شرقی تهران اجاره کرده و همراه هم زندگی می کردند. در حالی که معاینات تیم پزشکی حکایت از این داشت این زن و شوهر بر اثر مصرف قرص برنج دچار مسمومیت شده اند مأموران برای تحقیق سراغ همسایه ها رفتند. یکی از همسایه ها گفت: «این زن و شوهر مدتی قبل خانه ای در همسایگی ما اجاره کردند و زندگی می کردند. به گفته همسرش آنها وضع مالی خوبی نداشتند و برای کار خانه شان راه تهران آورده بودند. چند ساعت قبل در خانه بودیم که ناگهان زن همسایه با داد و فریاد از ما کمک خواست. وقتی به سراغش رفتم حیات شوهرش بد بود و قادر به حرف زدن نبود که رزش به ما گفت همراه شوهرش قرص برنج خورده اند. همزمان با اینکه آنها را برای درمان به بیمارستان منتقل کردیم، زن همسایه دربارۀ خوردن قرص برنج به ما گفت: «من و همسرم هر دو عاشق هم بودیم. من قبل از ازدواج با او با مرد دیگری از ازدواج کرده بودم اما به خاطر مشکلات اخلاقی که داشت او را طلاق گرفتم و باستار که مرد خوبی بود ازدواج کردم. زندگی خوبی داشتیم اما سنا همیشه از اینکه مشکل مالی داشت افسرده بود تا اینکه امروز به خانه آمد و گفت قصد دارد با خود خوردن قرص برنج به زندگی اش پایان دهد. خیلی تلاش کردم او را منصرف کنم اما فایده ای نداشت و او تصمیمش را گرفته بود. از آنجایی که من عاشق او بودم تصمیم گرفتم همراه او به زندگی ما پایان دهم چون زندگی بدون ستار برای من خیلی سخت بود و اصلاً تحمل دوری او را نداشتم. سنا تعدادی قرص برنج خورده بود که پنج عددش را خورد و سه عدد من خوردم. ساعتی بعد حال هر دوی ما بد شد که پشیمان شدم و تصمیم گرفتم با داد و فریاد در خواست کمک کنم تا شما همسایه ها زندگی من و همسرم را نجات دهید.» زن جوان پس از اینکه ماجرا را برای ما توضیح داد از هوش رفت و الان هم تحت درمان است.» پس از این مأموران به تحقیقات خود درباره این حادثه غیرمعمول ادامه دادند تا اینکه در یافتند ساعت ۱۰شب، تنها دو ساعت پس از مرگ مرد جوان همسر او نیز در بیمارستان فوت کرده است. همزمان با انتقال جسد زن و شوهر جوان به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش های لازم، مأموران تحقیقات خود را درباره مرگ مشکوک زن و شوهر آغاز کردند.



## آدم ربایی پس از پارتی شبانه

پار تی ها و مهمانی های شبانه مختلط زندگی دختران زیادی را به تباهی کشانده است. این پار تی محلی برای آشنایی دختران و پسران جوان تبدیل می شود که در نهایت سر نوشت تلخی برای آنها به دنبال دارد هر چند ممکن است در همین مهمانی های شبانه آنها در دام باندهای تبهکاران گرفتار شوند که دیگر راهی برای برگشت وجود ندارد. مثل داستان دختر جوانی که پس از آشنایی او با عده ای در پار تی شبانه ای به دست آنان ربوده شد!

به گزارش خبرنگار ما، اوایل تابستان امسال بود که دختر جوانی وحشت زده به اداره پلیس رفت و از زن و مرد جوانی به اتهام آدم ربایی و سرقت اموالش شکایت کرد. شاکلی در توضیح ماجرا گفت: من علاقه زیادی به لباس های مارک دار دارم و همیشه لباس های گر قیمت می پوشم و به همین دلیل دوستانم فکر می کنند دختر پولداری هستم. چندی قبل در مهمانی شبانه بازن جوانی به نام مهراوه آشنا شدم. در آن مهمانی من خودم را دختر پولداری معرفی کردم و گفتم که پدرم تاجر است و من هم شریک او هستم. چند ماهی از رابطه دوستی من و مهراوه گذشت و در این مدت مهراوه همیشه از من سؤال می کرد که چرا عروس نمی شوم که به او گفتم اگه پسر خوب و سالمی به خواستگاری ام بیاید یا او ازدواج می کنم. پس از این او برادر شوهرش را که بایک نام دارد برای ازدواج به من معرفی کرد و مدعی شد که بایک مهندس کمیوتر است و وضع مالی خوبی دارد. یکی دو بار من و بایک با هم تلفنی حرف زدیم و یک بار هم سفری به رستورانی رفتم و غذا خوردیم تا اینکه امروز مهراوه و بایک با خود دوری ۲۰۶ به دنبال من آمدند تا درباره زندگی آینده مان با هم حرف بزنیم. مهراوه شروع به رانندگی کرد و من و بایک هم در صندلی عقب نشستیم و با هم شروع به حرف زدن کردیم که بایک از خودش تعریف و تمجید زیادی کرد. من هم به خاطر اینکه یک نیاروم گفتم در آمد خوبی از تجارت با پدرم دارم و الان هم مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان در

حسابم است که قرار است با آن لوازم بهداشتی از خارج وارد کنم. بایک وقتی مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان را شنید ناگهان اسلحه ای از زیر پیراهنش بیرون آورد و با تهدید از من خواست کارت عابریم و رمزش را به او بدهم. در حالی که به شدت ترسیده بودم به او گفتم که اصلاً پولی در حساب من نیست، اما بایک باور نمی کرد که با چاقو ضربه ای به پایم زد و مرا زخمی کرد. در چنین شرایطی احساس کردم او مرا می کشد که تلفن همراهم را بیرون آوردم و بایمک بانک را به او نشان دادم که مشخص شد موجودی حسابم فقط یک میلیون تومان است. پس از این آنها مرا در خیابانی از خودرو بیرون انداختند و تلفن همراه و کیف پولم را سرتف کردند.

آدم ربایان زن و شوهر بودند پس از طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران به دستور یازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی و دستگیری آدم ربایان وارد عمل شدند. بررسی های فنی و اطلاعاتی که شاکلی در اختیار مأموران قرار داده بود نشان داد زن و مرد آدم ربایا زوج جوانی هستند که به بهانه پیشنهاد ازدواج، دختر جوان را برای اخذی ۳۰۰ میلیون تومانی رسوده اما وقتی متوجه می شوند شاکلی پولی در حسابش ندارد با سرقت اموالش او را راه می کنند. با شناسایی متهمان، مأموران تحقیقات گسترده ای برای دستگیری آنها آغاز کردند، اما بررسی ها نشان داد مهراوه و بایک پس از آدم ربایی به دویبی گریخته اند. در حالی که دو متهم از طریق پلیس اینترپل تحت تعقیب قرار داشتند مأموران متوجه شدند روز شبیه مهراوه قصد دارد از طریق هوایی به ایران بازگردد. بنابراین مأموران متهم را هنگام خروج از هواپیمای فرودگاه امام خمینی بازداشت کردند. متهم صبح روزروز برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. وی در بازجویی ها به جرم خود اقرار کرد و پس از آن برای ادامه تحقیقات در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. تلاش برای دستگیری شوهر متهم ادامه دارد.

## پار تی های شبانه زندگی ما را تباہ کرد



خودت را معرف کن؟

مهراوه هستم ۲۴ ساله. چه شد که با شوهرت تصمیم گرفتی از دختر جوان اخذی کنی؟ شوهرم مرد بداخلاق است و همیشه عصبانی است. از زمانی که با او ازدواج کردم مرا کتک می زد به همین دلیل در دادگاه درخواست طلاق دادم اما او مطلق نمی داد و هر وقت متوجه می شد از او شکایت کرده ام مرا به شدت کتک می زد تا اینکه تصمیم گرفتم او را با دختر جوان پولداری آشنا کنم که از این طریق مرا فراموش کند و بتوانم از او طلاق بگیرم. من، دختر جوان را به او معرفی کردم و فکر نمی کردم شوهرم قصد آدم ربایی و اخذی داشته باشد.

چرا با بایک ازدواج کردی؟

ازدواج ما به یک پار تی شبانه بر می گردد. آن پار تی زندگی مرا تباہ کرد. یک سال قبل یکی از دوستانم مرا به پار تی شبانه مختلطی دعوت کرد. در آن مهمانی با بایک آشنا شدم. بایک مدعی بود که پولدار است و زندگی اشرافی دارد. پس از آن بود که در مهمانی های دیگری شرکت کردم تا اینکه در یکی از پار تی ها من و بایک دستگیر شدیم. وقتی خانوادهم متوجه شدند مرا مجبور کردند با بایک ازدواج کنم و من هم که فکر می کردم بایک پسر پولداری است از ازدواج کردم اما بعد فهمیدم که به من دروغ گفته و با خود وراثت میوه فرشی می کند.

چرا با بایک ازدواج کردی؟

ازدواج ما به یک پار تی شبانه بر می گردد. آن پار تی زندگی مرا تباہ کرد. یک سال قبل یکی از دوستانم مرا به پار تی شبانه مختلطی دعوت کرد. در آن مهمانی با بایک آشنا شدم. بایک مدعی بود که پولدار است و زندگی اشرافی دارد. پس از آن بود که در مهمانی های دیگری شرکت کردم تا اینکه در یکی از پار تی ها من و بایک دستگیر شدیم. وقتی خانوادهم متوجه شدند مرا مجبور کردند با بایک ازدواج کنم و من هم که فکر می کردم بایک پسر پولداری است از ازدواج کردم اما بعد فهمیدم که به من دروغ گفته و با خود وراثت میوه فرشی می کند.

### اجرائیه به کلاس به پرونده ۹۷/۲۱/۴۱۲

مشخصات محکوم له: علی رحیمی بنشانی اسلامشهر حمیدیه نش کوجه ۱۰ پلاک ۵۸ واحد یک مشخصات محکوم علیه: سامان زارعی حسن گولادری مجهول المکان محکوم به: بموجب داندنامه شماره ۵۲۴ مورخ ۹۷/۶/۲۱ شورای حل اختلاف شعبه ۲۱۰ که وفق داندنامه شماره شعبه دادگاه تجدید نظر استان قطعیست حاصل کرده است الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و در خصوص هزینه دادرسی مبلغ ۲۳۲۵/۰۰۰ ریال و نیز خسارت تاخیر در تادیه ماخذ شاخص تورم اعلامی از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت ۹۷/۲/۸ لغایت تاریخ اجرای داندنامه در حق خواهان و نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت. محکوم علیه موظف است از تاریخ اجرای اجرائیه: ۱. پس از ابلاغ اجرائیه ظرف سه سال بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده یا لیکن برای در پرداخت اموال خود را معرفی نکند یا صورت خلاف واقع از دارایی خود بدهید به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد. ۴. علاوه بر موارد بالا که قسمتی از مفاد اجرائیه محکوم به می باشد به قانون اجرای احکام مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱۱ که ظهر برگ اجرائیه درج گردیده است توجه نموده و به آن عمل نماید.

م الف: ۳۳۷/مدیر دفتر شعبه ۲۱۰ شورای حل اختلاف شهرستان اسلامشهر

### ۱۴ یادداشت

## ضرورت چاره اندیشی برای آرای غیابی صادر شده

جلال مهرگان

رسیدگی به هر دعوی سبب فرآیندی است که در آن می بایستی حقوق شهروندان محفوظ بماند. قانون هم به موارد بسیار زیادی برای حفظ حقوق شهروندان توجه دارد، اما در صدور احکام غیابی به هیچ کدام از مقررات توجه نمی شود.

امروز شاهد هستیم احکام غیابی از شورای حل اختلاف یا از طرف داوران محترم یا حتی از محاکم آرای غیابی صادر می شود و فردی که علیه وی رأی صادر شده زمانی متوجه می شود که توسط مأموران بازداشت است. در حالیکه فرد بازداشت اصلاً از طرح شکایت از سوی شاکی خبر نداشته است طبیعتاً فردی که با رأی غیابی بازداشت شده است تا زمانی که اعتراضش به رأی غیابی پذیرفته شود، باید مدتی را در زندان سپری کند. این ظلم بزرگی است که اخیراً آمارش زیاد شده است. خیلی وقت ها شاکیان با دادن آدرس غلط یا ارائه نشان غلط، دادگاه یا مراجع رسیدگی کننده را گمراه می کنند که می بایستی در این زمینه هم چاره اندیشی شود. طرح این سؤال مهم است که آیا با توجه به سیستم های امروزی واقعا امکان شناسایی متهم یا شاکی وجود ندارد؟! در موردی شاهد بودیم با شکایت فردی از صاحب یکی از نمایندگی های آرای خودرو در یکی از شهرستان ها به خاطر صدور چکی به مبلغ ۱۱ میلیارد تومان از طرف وی شکایت کرده و صاحب نمایندگی حکم غیابی گرفته بود. بسیار جای تعجب داشت که قاضی برای ۱۱ میلیارد تومان چک صادره حکم غیابی صادر کرده بود، اینکه تحقیق کند که این فرد زنده است یا نه؟ وی در ایران است یا خارج از کشور؟ که بعدها معلوم شد فرد مدعی آدرسی غیرواقعی داده بود و چک صادره از طرف صاحب نمایندگی نیز یک میلیارد بوده است نه ۱۱ میلیارد! بنابراین مراجع تصمیم گیری برای حفظ حقوق و جلوگیری از ظلم به شهروندان باید در مورد صدور احکام غیابی بسیار حساس باشند و دستگاه قضایی و مسئولان آن نیز در مقابل تأیید چنین آرای وقت و سواست لازم را داشته باشند.

صرف شعار و تصویب آیین نامه و... صدور چنین احکامی، یک امر متناقض است. در حالیکه قانون به مراجع ذی ربط اختیار داده که حتی از طریق تماس تلفنی افسران را از تشکیل پرونده مطلع کنند لکن افراد متقلب برای دور زدن قانون و گمراه کردن محاکمه همیشه روش های جدیدی ابداع می کنند که باید این روش ها را شناخت و با هشیاری با آنها مبارزه کرد. در یک کلام صدور رأی غیابی یکی از نقاط ضعف مراجع صادر کننده است که باید این ضعف مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد.

## گیر کردن اسباب بازی در انگشت پسر بازگوش



### گیر کردن اسباب بازی در انگشت کودک خردسال

آتش نشانیان را به خیابان قلعه مرغی کشاند. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۲:۴۵ ظهر دیروز عوامل آتش نشانی تهران با تماس تلفنی شهروندی در جریان کردن دستت یک کودک داخل اسباب بازی پلاستیکی قرار گرفتند و بلافاصله راهی محل حادثه در انتهای خیابان قلعه مرغی شدند. آتش نشانیان فرمانده آتش نشانیان اعزامی در این باره گفت: با رسیدن به محل حادثه مشاهده شد که یک قطعه اسباب بازی در انگشت پسر بچه سه ساله ای گیر کرده و خانواده وی قادر به خارج کردن آن نیستند که آتش نشانیان با استفاده از تجهیزات ویژه (هگستربر) جسم پلاستیکی را دست این کودک خارج کردند.

### اجرائیه به کلاس به پرونده ۹۷/۱/۳۷۷

مشخصات محکوم له: فریبرز خانی زاده بنشانی اسلامشهر خیابان امام موسی کاظم جنت ۲۲ پلاک ۵۲ مشخصات محکوم علیه: نازنین زهرا مجهول المکان محکوم به: بموجب داندنامه شماره ۵۰۷ مورخ ۹۷/۶/۲۷ شورای حل اختلاف شعبه یک که وفق داندنامه شماره شعبه دادگاه تجدید نظر قطعیست حاصل کرده است حکم به الزام خواننده به پرداخت مبلغ ۶۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته در خصوص هزینه دادرسی مبلغ ۹۰۰/۰۰۰ ریال و نیز خسارت تاخیر در تادیه ماخذ شاخص تورم اعلامی از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت ۹۷/۲/۸ لغایت تاریخ اجرای داندنامه در حق خواهان و نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت. محکوم علیه موظف است از تاریخ اجرای اجرائیه: ۱. پس از ابلاغ اجرائیه ظرف سه روز مفاد آن را به موقع اجرا گذارد. ۲. ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳. مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفای محکوم به به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نماند باید ظرف ده روز صورت جمع دارایی خود را به قسمت اجرا تسلیم کتباگر مالی نندارد صریحا اعلام نماید هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده یا لیکن برای در پرداخت اموال خود را معرفی نکند یا صورت خلاف واقع از دارایی خود بدهید به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد. ۴. علاوه بر موارد بالا که قسمتی از مفاد اجرائیه محکوم به می باشد به قانون اجرای احکام مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱۱ که ظهر برگ اجرائیه درج گردیده است توجه نموده و به آن عمل نماید.

م الف: ۳۳۷/مدیر دفتر شعبه یک شورای حل اختلاف شهرستان اسلامشهر

### اجرائیه به کلاس به پرونده ۹۷/۲۱/۲۲۴

مشخصات محکوم له: اکبر ابراهیمی ترکمانی به نشانی باغ فیض کوجه ۸ پلاک ۵۸ واحد یک مشخصات محکوم علیه: فرهاد امیرخانلو مجهول المکان محکوم به: بموجب داندنامه شماره ۳۳۸ مورخ ۹۷/۵/۲۷ شورای حل اختلاف شعبه ۲۱۰ که وفق داندنامه شماره شعبه دادگاه تجدید نظر استان قطعیست حاصل کرده است الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و مبلغ ۲/۰۴۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی در حق محکوم له و پرداخت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت. محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه: ۱. پس از ابلاغ اجرائیه ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا گذارد. ۲. ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳. مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفای محکوم به به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نماند باید ظرف ده روز صورت جمع دارایی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند. اگر مالی نندارد صریحا اعلام نماید هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده یا لیکن برای در پرداخت اموال خود را معرفی نکند یا صورت خلاف واقع از دارایی خود بدهید به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد. ۴. علاوه بر موارد بالا که قسمتی از مفاد اجرائیه محکوم به می باشد به قانون اجرای احکام مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱۱ که ظهر برگ اجرائیه درج گردیده است توجه نموده و به آن عمل نماید.

م الف: ۳۳۷/مدیر دفتر شعبه ۲۱۰ شورای حل اختلاف شهرستان اسلامشهر